

اصولگرای

ویژه میانسال

ارائه محتوا جهت استفاده

مربیان، ائمه جماعت و والدین محترم

www.SalehinZn.ir



فہرست

اصولگرایی.....۳

اصولگرایی، اصولگرایان و اصلاحات از دیدگاه رہبری..... ۳

متن کامل منشور اصولگرایی بہ شرح ذیل.....۳

اصول گرایی از دیدگاه معارف اسلام.....۶

اساس بینش اصولگرایی.....۸

اصل رابطہ جامعہ و حکومت.....۱۰

اصل ضرورت حکومت عدل در جامعہ اسلامی.....۱۱

منابع.....۱۵

پاورقی.....۱۵



اصولگرایی

اصولگرایی، اصولگرایان و اصلاحات از دیدگاه رهبری

* اصولگرایی نحله یا جریانی در مقابل دیگر جریانهای رایج سیاسی نیست و تقسیم بندی گروهها به اصولگرا و اصلاح طلب و یا اسامی دیگر تقسیم بندی صحیحی نیست، چرا که هرکس و هر جریانی که به مبانی انقلاب علاقه مند و پایبند و هر نامی که داشته باشد جزو اصولگرایان است.

* مهم ترین شاخص اصولگرایی، ایمان و «هویت اسلامی و انقلاب» است.
* هر جریان و تفکری که به دنبال رهایی از اختاپوس تحمیل شده فرهنگ غربی نیست و به استقلال سیاسی - اقتصادی کشور و ملت بی توجه است، جزو اصولگرایان محسوب نمی شود.

* اصلاحات اصولگرایانه و اصولگرایی مصلحانه در هم تنیده هستند و با اصلاحات آمریکایی و اصلاحات رضاخانی که در واقع افسادات هستند و نه اصلاحات، کاملاً متفاوتند.

* اصلاحات باید ضابطه مند و مبتنی بر ارزشها و معیارهای اسلامی و ایرانی باشد
* اصلاحات حقیقی با ساختارشکنی و مبارزه با «قانون اساسی و اسلام» کاملاً مخالف و متفاوت است.

* متن کامل منشور اصولگرایی به شرح ذیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم

ملت شریف ایران اسلامی آگاه است که رهبر معظم انقلاب، نیاز کنونی جامعه مؤمن و متدین ما را «وحدت» دانسته اند. با نگاهی به شرایط حاضر و مخاطراتی که بر سر راه پیشرفت انقلاب و تحقق آرمان های والای اسلام و امام راحل^(ره) وجود دارد، نیاز به وحدت و ضرورت آن، بیش از پیش، آشکار می شود.

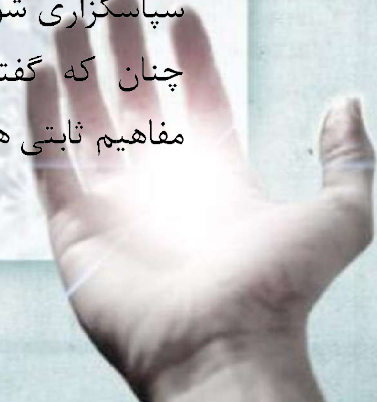
امروزه، از یک سو، دشمن و ایادی استکبار، عداوت خود را آشکار کرده اند و هر وسیله ای را برای تضعیف انقلاب اسلامی ایران به کار می گیرند. از دیگر سو فریب خوردگان داخلی، به ابزار دست بیگانه تبدیل شده اند و مصالح و منافع ملی را بازیچه خودبینی و لجاجت قرار داده، هویت، افتخارات، تاریخ پربرکت انقلاب و آرمان های امام را با هیاهو و هلله اجانب، سودا کرده اند.

در چنین شرایطی، رهنمودهای مقام معظم رهبری و توصیه های ایشان به بصیرت و وحدت، نشان از حکمت، خیرخواهی و واقع بینی این فقیه بصیر دارد. خدای را سپاس که این مرز و بوم، به پاس انفاس قدسی پیر جماران، میراث دار نعمت ولایت فقیه شد تا در روزگار فتنه و بحران، دستگیر حال این ملت باشد و در گراب هایی چنین حایل، کشتی نجات امت و راهبر آن تا ساحل امنیت و پیشرفت شود.

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و جامعه روحانیت مبارز، در این راستا، کوشیدند راهکارهای برقراری وحدت میان یاران و وفاداران صادق اسلام، ایران و انقلاب را بررسی کنند. اولین گام در این مسیر، ارائه تعریفی جامع از «اصولگرایی» و شاخصه های امروزین آن بر اساس آموزه های دین، وصایای امام راحل (ره) و رهنمودهای مقام معظم رهبری بود. اینک و پس از برگزاری نشست های متعدد و رایزنی با گروه های مختلف اصولگرا، کمیته مشترک جامعه مدرسین و جامعه روحانیت، «مبانی و شاخص های اصولگرایی» را اعلام می کند.

لازم است از همه اندیشوران، بویژه مراجع مکرّم، روحانیت معزز، دانشگاهیان فرهیخته، گروه های همراه انقلاب و نمایندگان مجلس و مسئولین، که به طرق مختلف، از این حرکت وحدت بخش، حمایت و استقبال کردند و با شرکت در نشست ها و با ارائه نظرات خود راهنمایی و پیشنهادهای ارزشمندی ارائه نمودند، سپاسگزاری شود.

چنان که گفتیم تعریف اصولگرایی، شامل مبانی و شاخص هاست. «مبانی»، مفاهیم ثابتی هستند که در هیچ زمینه و وضعیتی، دچار تغییر نمی شوند؛



مفاهیمی که جوهره و ثباتات جریان اصولگرایی به شمار می آیند. بیان و التزام به این مبانی به معنای اهمیت و تعیین کنندگی آنها در همه زمانها است. این «اصول» عبارتند از: ۱ اسلام، ۲ جمهوری اسلامی (قانون اساسی)، ۳ خط و سیره امام، ۴ ولایت مطلقه فقیه.

«شاخص ها» اموری هستند که بیانگر اولویت های جریان اصولگرایی در مقام عمل و بخصوص در زمان فعلی می باشند. این شاخص ها عبارت است از:

۱. دفاع از ارزش های اسلامی؛
۲. پایبندی به مبانی انقلاب اسلامی؛
۳. التزام عملی به ولایت فقیه و فصل الخطاب دانستن نظر رهبری؛
۴. احترام و توجه به جایگاه روحانیت و مرجعیت؛
۵. ساده زیستی و پرهیز از تجمل گرایی و اشرافیگری و توجه ویژه به گروه های ضعیف و نیازمند؛
۶. اعتقاد به آزادی های مشروع و مردمسالاری دینی؛
۷. عدالت محوری و مبارزه با فساد؛
۸. تأکید و باور به پیشرفت همه جانبه کشور؛
۹. اداره امور بر اساس موازین اسلامی، عقلانیت، قانون، برنامه حسن تدبیر و عطوفت با مردم؛
۱۰. اعتقاد و التزام به تعامل و هماهنگی میان قوا در سایه تدبیرهای رهبری؛
۱۱. دشمن شناسی، استکبارستیزی، استقلال طلبی و موضع گیری صریح در برابر دشمنان و فتنه ها؛
۱۲. تلاش برای تحقق وحدت امت اسلامی.

جامعه مدرسین و جامعه روحانیت بر اساس این مبانی و شاخص ها می کوشد زمینه ساز تحقق «وحدت کلمه» در میان امت اسلامی شود و بدخواهان و بداندیشان ملت بزرگ ایران را مأیوس کند.

در پایان، با سلام و صلوات بر حضرت سیدالشهداء علیه السلام و فرزندان آن حضرت

و تعزیت مصیبت عظمای اهل بیت (علیهم السلام) و با درود بر روح ملکوتی امام عظیم الشان و آرزوی سلامت و توفیق رهبر معظم انقلاب و دعا برای تعجیل در فرج حضرت بقیه الله الاعظم (ارواحنا فداه)، از همه گروه های اصولگرا دعوت می‌کنیم، ضمن حمایت از اقدامات مهم و مؤثر دولت و دیگر قوا و همه کارگزاران، کوشش های خود را برای تحقق وحدت امت اسلامی و عزت و سرافرازی اسلام و ملت ایران سامان دهند.

از ملت بزرگوار ایران انتظار داریم با عنایت به این اصول و شاخص ها و دفاع از آنها که ضامن حفظ انقلاب و عظمت اسلام و ایران است همدلانه گام بردارند. بعونه و منّه

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

اصول گرایی از دیدگاه معارف اسلامی

پس از انقلاب اسلامی واژگانی از سوی افراد و گروههایی مطرح و مورد استفاده قرار گرفته است واژگانی نظیر حزب الله خط امام اسلام محمدی اصلاح طلبی ... و در سالهای اخیر واژه اصولگرایی مورد استفاده قرار گرفته است .

گرچه این الفاظ هر یک دارای معانی بسیار گسترده و جامع و مفاهیمی بسیار عمیق و فراجناحی دارد اما در بسیاری موارد مورد بهره برداری جناحی و گروهی قرار گرفته است. سلیقه و فکر خاصی سعی کرده بنوعی قرابت و نزدیکی خود را بایکی از این واژگان بیان دارد و بدینسان با اختصاص این واژگان به جمعیت و گروه خود نوعی انحصار و سواستفاده غیرمنطقی از این واژگان را عملی بسازند.

اما حقیقت این است که این الفاظ متعلق به هیچ شخص و گروهی نیست و هر کس و هر جناحی که بر اساس اصول معنی این واژگان عمل نمایند یکی از مصادیق آنها خواهند بود.



اما آیا تاکنون چنین بوده است آیا استفاده از این واژگان به طرز حقیقی بوده است و آیا سواستفاده و انحصارطلبی در بکارگیری از این الفاظ بچشم خورده یا خیر این سوالی است که افکار عمومی باید جواب آنرا بدهد نمی‌توان گفت یکی از جفاهای مشهود در این عصر تعریف غیر واقعی و محدود این واژگان بوده است. هر کس و هر گروهی به سلیقه و نظر خود این مفاهیم گسترده و عمیق را از جایگاه خود تنزل داده و به خواسته و مطالبات جناحی محدود ساخته و زمینه را برای اختصاصی کردن این واژگان مهیا ساخته اند.

واقعیت امر این است که این انقلاب متعلق به آحاد مختلف مردم است و مردم ثابت نمودند بهتر از هر کس و جریان دیگر هم اصولگرا هستند هم اصلاح طلب هم حزب الله هستند هم خط امامی .

ممکن است بعضی رفتار افرادی از مدعیان اصولگرا را ببینند و بر محدودگرایی و کوتاه نظری از آنرا ناظر باشند و با خود بگویند انقلاب و اسلامی که دارای بدترین اصول انسانی و اسلامی هستند و عدالت و دادگری را سرلوحه خود قرار داده است چگونه به منافع گروهی و جناحی گروه خورده و تنزل پیدا کرده است اما حقیقت این است که هر نوع انحصارطلبی و محدودگرایی جفا در حق آرمانهای انقلاب و نظام اسلامی است .

نظام و انقلاب آرمانهای والایی دارند که نمی‌تواند با منافع حزبی و جناحی همخوانی داشته باشد. خصوصا اینکه بعضی افراد فرصت طلب که رفتار آنان هیچگونه همخوانی با اصول و آرمانهای انقلاب و نظام ندارد و رفتار معامله گرایانه یا ضد ارزشی و ضد دادگری آنان موجب بدنامی اصولگرایی خواهد شد خود را در جمع اصولگرایان قرار می‌دهند و رفتار خود را اصولگرایی می‌نامند.

اسلام به ذات خود ندارد عیبی هر عیب که هست از مسلمانی ماست اصولگرایی اصول معین و ارزشی و آرمانی خود را دارد اگر کسی در ادعا خود را اصولگرا نامید ولی در عمل بر خلاف آن عمل نمود این ربطی به حقیقت اصولگرایی و آرمانگرایی ندارد.

در اینجا نکته‌ای قابل یادآوری است و آن اینکه نباید هر کسی که ادعای اصولگرایی نمود را با دیدمنفی بنگریم چه بسا افرادی که در حقیقت فکرواندیشه ای خود دیدگاه صحیح اصولگرایی را مورد توجه دارند و در صدد بطور گسترش آن هستند یقیناً حساب اینگونه افراد با افراد سودجو جداست .

امام ره به فکر و عمل مردم اعتقاد وایمان داشت و معتقد بود مردم در فهم و عمل بهتر و جامع تر از دیگران عمل می کنند و مردم هم می فهمند هم سره را از ناسره جدا می کنند.

در این نوشته سعی شده است بخشی از اصول معین از دیدگاه ائمه علیهم السلام در باب مسائل اجتماعی و حکومتی که رعایت آنها حقیقت اصولگرایی را روشن می کند بیان گردد.

باشد تا با آگاهی و علم هر روز به جبهه اصولگرایی افزوده شود گرچه تاکنون شعارهای زیادی در باره اصولگرایی داده شد اما در باره این مهم چیزی از اصول و آرمانهای دینی نگاشته نشده است و یا اگر شده در حد بسیار محدود بوده . امید است این نوشتار گامی در جهت تبیین اصولگرایی حقیقی باشد و زمینه ای جهت بسط و گسترش فرهنگ اصولگرایی گردد.

اساس بینش اصولگرایی

در بعضی مواقع وقتی می‌خواهیم از فرهنگ اسلام و جامعیت آن دفاع کنیم می‌گوئیم اسلام پیرامون همه مسائل جامعه حرف و برنامه دارد. چیزی ناگفته نمانده است باید حقایق آنرا در بین متون دین پیدا کنیم .

اما وقتی می‌خواهیم از اصولگرایی صحبت کنیم در بعضی مواقع خواسته ها و تمایلات شخصی و مطالبات جناحی را بحساب اصولگرایی می نویسیم. انگار مائیم که اصولگرایی را تبیین می‌کنیم و محورهای آنرا معین می‌نمائیم ظاهر لفظ -

اصولگرا بمعنی این است که از اصولی تبعیت می کند و به اصولی معتقد و متعهد است اما این اصول چه می باشد و از کجا آمده آمده آیا قبلا این اصول بوده یا خیر ما این اصول را معین می کنیم یا این اصول معین بوده و ما آنرا نقل می کنیم و سئوالات زیادی پیرامون این موضوع وجود دارد که بی پاسخ مانده است . حرف ما این است که آیا اساس بینش اصولگرایی وجود داشته و یا ما آنرا بوجود آوردیم آیا تنزل اصولگرایی به خواسته ها و مطالبات حزبی و جناحی جز اصولگرایی است آیا با تعاریف محدودی که از اصولگرایی ارائه می کنیم خطر بی محتوا شدن مفاهیم اصولی بوجود نمی آید چرا به اصول معین در اسلام و گفتار ائمه علیهم السلام استناد نمی کنیم چرا به اصول معین حکومتی که در نهج البلاغه به صراحت آمده توجه و اشاره نمی کنیم چرا رای به فلان وزیر و یا فلان موضوع محور اصولگرایی قرار می گیرد که کسی رای ندهد اصولگرا نیست

باید پذیرفت که اسلام اصول معین در مسائل اجتماعی و حکومتی دارد و اگر افعا ما قصد ترویج اصولگرایی را داریم باید اصول حکومتی اسلام که در جزئی ترین مسائل آن روشن شده را محور و معیار خود قرار داده و بر اساس بینش دینی و الهی اصولگرایی را تعریف و ارائه نمائیم و از هر گونه محدود سازی یا تنزل از مفاهیم واقعی اجتناب کنیم .

اسلام در زمینه حکومت مسئولیت امانت داری قانون عدالت لیاقت و شایستگی قاطعیت عزت طلبی - اصلاح طلبی ساده زیستی - احترام به حقوق دیگران - همراهی و همدلی با مردم نفی باج دهی و باج گیری اصل خدمت - مدارا با مردم - جانبداری از حق نفی امتیازطلبی - نفی مصلحت اندیشی نفی ظاهرسازی و ریاکاری و افراط و تفریط و دهها عناوین دیگر حقوقی اجتماعی و حکومتی حرف و برنامه دارد.

یک اصولگرا قبل از آنکه قیل و قال خود و دیگران را مطرح نماید باید به اصول معین در حکومت اسلامی توجه و استناد داشته باشد تا بعنوان یک اصولگرای -

حقیقی مطرح شود.

آنقدر اصول دینی در مسائل حکومتی دل انگیز و آمیخته با فطرت بشری است که طرح آن و دفاع از آن موجب حمایت و تحسین افکار عمومی خواهد شد. یعنی مردم آن اصول عدالت گستر دین اسلام را پذیرفته و برای آن قیام نموده و برای احیا آن در جامعه هر نوع هزینه ای را تقبل می کنند.

اصل رابطه جامعه و حکومت

ناگزیریم برای پرداختن به اصول حکومتی اسلام چند نکته لازم را توضیح دهیم. حکومت برای جامعه امری لازم و ضروری است جامعه بدون حکومت جامعه ای ناامن جامعه ای عاری از آسایش و امنیت است لذا علی علیه السلام حکومت و حاکم را برای جامعه امری لازم و اجتناب ناپذیر دانسته و فرموده: لا بد للناس من امیر بر او فاجر (۱) مردم باید امیر داشته باشند چه نیکوکار چه فاسق. علی علیه السلام در گفتاری دیگر دلیل این قاعده را با استدلال چنین بیان می فرماید:

«زمامدار ظالم و ستمگر بهتر است از فتنه (هرج و مرج) که پیوسته در جامعه وجود داشته باشد (۲) علی علیه السلام نه آنکه حکومت ظالم و ستمگر را تایید کند بلکه از باب دفع افسد به فاسد حکومت را تحت هر شرایط بهتر از هرج و مرج و ناامنی و فتنه می دانند چرا که بهر صورت حکومت دارای نظم و مقرراتی است که جلوی ناامنی و هرج و مرج را که بدترین شکل جامعه است می گیرد.

اصلاح و پالایش جامعه بدون اصلاح حکومتی امری ممتنع است توجه به حکومت برای اصلاح جامعه مورد توجه امامان معصوم بوده است به همین جهت است که حساسیتی زیاد در رابطه با حکومت و حاکم و رهبر عادل در نهج البلاغه بچشم می خورد و این همه برای اصلاح حکومتی است که منجر به اصلاح جامعه خواهد شد. لذا باید پذیرفت اگر نهج البلاغه حکومت را برای جامعه امری لازم و ضروری دانسته برای حکومت سالم و نیکو نیز ارائه طریق نموده و جایگاه امام و پیشوای دادگر را توصیف نموده و اثرات ارزنده امام عادل را بیان نموده است.

اصل ضرورت حکومت عدل در جامعه اسلامی

جامعه اسلامی به حال خود رها نشده است بلکه کلمات و جملات ائمه علیهم السلام در راستای سرپرستی حکومت عدل در جوامع اسلامی بیانگر آن است که هیچگاه ائمه علیهم السلام خواستار جامعه منهای رهبر عادل و دادگر نبوده اند.

وقتی به نهج البلاغه مراجعه می شود این حساسیت کاملاً مشهود است. علی علیه السلام در فرازی می فرمایند: از این اندوهناکم که بی خردان و تبهکاران این امت حکومت را به دست آورند و مال خدا را دست به دست بگردانند و بندگان او را به بردگی کشند با نیکوکاران بجنگند و با فاسقان همراه باشند. (۳) علی علیه السلام بصراحت نگرانی خود را از این که حکومت به دست ناهلان بیفتد بازگو می کنند و وضعیت ناهنجاری که در زمان حکومت ناهلان اتفاق می افتد را مطرح می فرمایند در واقع این هشدار است که حکومت خود را به دست افراد نالایق و ناشایست ندهند.

امام حسین (علیه السلام) زمانی که مخالفت خود با حاکمیت یزید را بیان می فرمایند در جواب مروان ابن حکم نگرانی خود را از حاکمیت یزید چنین بیان می دارند: و علی الاسلام اسلام اذابلیت الامه براع مثل یزید (۴) دیگر باید با اسلام خداحافظی کرد و فاتحه اسلام را خواند زمانی که شخصی مثل یزید حاکمیت جامعه اسلامی را بدست گیرد.

پیامبر بزرگوار اسلام نیز در جمله ای حکمت آمیز می فرماید: لکل شی آفه تفسده و آفه هذا الدین و لاه السوء (۵) یعنی برای هر چیزی آفت است که موجب فساد آن می شود و آفت دین رهبران و زمامداران فاسد هستند. همه این جملات گران این است که اسلام رهبری ناسالم و فاسد را برای جامعه دینی امضا نمی کند نه آنکه امضا نمی کند بلکه به جوامع دینی هشدار می دهند که سلامت شما با رهبران شما رقم می خورد و اگر رهبران ناسالم بر جامعه دینی حکمرانی نمایند از حقیقت دین و از حقیقت اسلام چیزی باقی نمی ماند و مصالح جامعه اسلامی بر باد می رود.

علی (علیه السلام) علما و دانشمندان را در این رهگذر دارای مسئولیت خاص می‌داند و آنانرا در انتخاب رهبر و نحوه حکومت مسئول دانسته می‌فرماید: یعنی اگر خداوند از علما عهد و پیمان نگرفته بود که در برابر شکم بارگی ستمگران و گرسنگی مظلومان سکوت نکنند و مهارشتر خلافت را برکوهان آن انداخته آن را رها می‌نمودم (۶) علما و دانشمندان در جامعه دینی مسئولیت بسیار خطیر دارند سکوت آنها ممکن است ناهنجاری اجتماعی را به همراه داشته باشد لذا دقت و توجه آنها به مسئله حکومت و رهبری جامعه سلامت جامعه و مردم را به همراه دارد.

چون عناصر اصلی شکل دهنده حکومت مردم هستند علی علیه السلام در کلامی جایگاه حکومت و دقت عمل آنانرا گوشزد می‌کند و می‌فرماید: و ان فی سلطان الله عصمه لامرکم فاعطوه طاعتکم غیر ملومه و لامستکره بها (۷) یعنی همانا حکومت الهی حافظ امور شماست بنابر این زمام امور خود را بی آنکه نفاق ورزید و یا کراهتی داشته باشید به دست امام خود بسپارید.

در این حکومت هم اهمیت حکومت دینی روشن می‌شود و هم جایگاه مردم یعنی مردم بدون آنکه اجبار و یا کراهتی داشته باشند و بدون آنکه ظاهر سازی کند و نفاق ورزند. امام خود را بشناسند و حکومت را به او بسپارند تا امور آنها گردش صحیح و سالم داشته باشد.

و نیز در فرازی دیگر و بهتر و گویاتر خصوصیات رهبر را برمی‌شمرد و مردم را به این امر آشنا می‌سازد می‌فرماید: ایها الناس ان احق الناس بهذا الامر اقواهم علیه و اعلمهم بامرالله فیه (۸). یعنی ای مردم سزاوارترین افراد به رهبری و زمامداری جامعه اسلامی آن کسی است که در تحقق حکومت نیرومندتر و در آگاهی از فرمان الهی داناتر باشد دو محور اساسی در این فرمایش مولا بچشم می‌خورد قدرت و توانایی مدیریت جامعه - علم و آگاهی بیشتر از دیگران از فرامین و دستورات الهی یعنی رهبر باید آگاهترین فرد به دستورات دینی و الهی باشد.

لذا روشن می‌شود که در مکتب اسلام هم حکومت به هرکسی سپرده نشد و نسبت به شناسایی رهبر توصیه و سفارش شده و هم شاخصه های رهبری بیان گردیده تا جامعه در شناسایی رهبر خود دچار اشتباه و سرگردانی نشود.

یکی از اصطلاحات رایج در مباحث سیاسی جامعه ما؛ به ویژه در زمان نزدیک به انتخابات، بحث اصول گرایی و شاخصه های آن است. امروزه در محافل سیاسی، سخن از فعالان سیاسی اصول گرا و اصلاح طلب است؛ در این جا به شاخصه های اصول گرایی پرداخته می‌شود. امروز ارکان تصمیم گیری کشور اعم از مجلس شورای اسلامی، دولت و قوه قضائیه با مدیریت تفکر اسلامی یا به تعبیر رایج،

اصول گرایی اداره می‌شود. اما این اصولی که از آن دم می‌زنیم، چیست؟ به فرموده مقام معظم رهبری: این، خیلی مهم است. و اصلا اصول گرایی به حرف نیست؛ اصول گرایی در مقابل نحله‌های سیاسی رایج کشور هم نیست. این غلط است که ما کشور یا فعالان سیاسی را به اصول گرا و اصلاح طلب تقسیم کنیم: اصول گرا و فلان؛ نه. اصول گرایی متعلق به همه کسانی است که به مبانی انقلاب، معتقد و پای بندند و آنها را دوست می‌دارند؛ حالا اسمشان هر چه که باشد. این اصول چه هستند؟ در درجه اول، ایمان و هویت اسلامی و انقلابی و پای بندی به آن. (دیدار با مسئولان نظام ۲۹/۳/۸۵).

اما شاخصه‌هایی که رهبر معظم انقلاب برای اصول گرایی بر شمرده اند را می‌توان به شرح ذیل مورد توجه قرار داد. در حقیقت، شاخصه‌های اصول گرایی، شاخصه‌های مهمی است که باید مورد توجه قرار بگیرد. تحقق مجموعه این شاخصه‌ها به معنای حقیقی کلمه باعث می‌شود تا بتوان به یک دولت و یا مجموعه ای، لقب اصول گرا داد.

شاخصه‌های مهم اصول گرایی از دیدگاه رهبر فرزانه انقلاب عبارت اند از: شاخصه اول، "عدالت خواهی و عدالت گستری" است. به فرموده ایشان، به زبان، ساده است، اما در عمل، کار بسیار دشواری است و مقدمات بسیاری لازم دارد. اما شاخصه دوم، "فساد ستیزی" است.

سلامت اعتقادی و اخلاقی مسئولان کشور به خصوص مسئولان عالی رتبه، در سطح دولت و معاونین و از این قبیل، بسیار مهم است و شاخصه دیگری است که از لحاظ اعتقادی و اخلاقی، اشخاص سالمی باشند. از دیگر شاخصه های مهم اصول گرایی، "اعتزاز به اسلام" است. به فرموده ایشان: ما در دوران این ۲۷ سال بعضی از مسئولان نظام اسلامی را دیده بودیم که خجالت می کشیدند یک حکم اسلامی یا یک جهت گیری اسلامی را صریحا بر زبان بیاورند. (دیدار با رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت ۶/۶/۸۵). ما باید به اسلام، اعتزاز داشته باشیم. آن چه را که اسلام به ما آموخته، اگر ما درست یاد گرفته باشیم و دچار کج فکری، انحراف و غلط فهمی نشده باشیم، چیزی است که باید به آن افتخار کنیم. "ساده زیستی و مردم گرایی"، شاخصه دیگری است که باید به آن توجه شود. یکی دیگر از این شاخصه ها، "تواضع و نغلتیدن در گرداب غرور" است که لازمه اصول گرایی به شمار می رود. به فرموده رهبر انقلاب، ما خودمان باید مواظب باشیم حرف هایی که در تمجید و ستایش ما می زنند، اینها را باور نکنیم. ما باید به درون خودمان نگاه کنیم: "الانسان علی نفسه بصیره"؛ نقص ها، مشکلات و کمبودهای مان را نگاه کنیم و فریب نخوریم. این فریب خوردن، انسان را در دام و گرداب غرور می اندازد. (همان ۶/۶/۸۵). از دیگر شاخصه ها می توان به "اجتناب از اسراف و ریخت و پاش" اشاره کرد. هم چنین، "خردگرایی و تدبیر و حکمت در تصمیم گیری و عمل"، از شاخصه های مهم و مورد احتیاج است. "مسئولیت پذیری و پاسخ گویی"، نیز از دیگر شاخصه هاست. یعنی پذیرش مسئولیت کارهایی که بر عهده گرفته ایم. باید احساس مسئولیت کرد. اما از جمله شاخصه های مهم اصول گرایی که رهبر معظم انقلاب به آن اشاره می فرمایند، همان "اهتمام به علم و پیشرفت علمی" است. بنابراین، علم که وسیله رشد ملی، بشری، انسانی و اوج گرفتن در محیط عام بشریت است جزو چیزهای لازم است و باید به آن اهتمام شود. اما یکی دیگر از شاخصه های اصول گرایی که جزو پایه های اصول گرایی به شمار می رود، "سعه صدر و تحمل مخالف" است.

تصویر

“اجتناب از هواهای نفس”؛ چه هوای نفس شخصی و چه هوای نفس گروهی. هم چنین “شایسته سالاری”، “نظارت بر عملکرد زیر مجموعه”، “تلاش بی وقفه برای این خدمات”، “قانون گرایی”، “شجاعت و قاطعیت در بیان و اعمال آن چه حق است”، نیز از دیگر شاخصه های اصول گرایی به شمار می رود.

منابع:

جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۳/۳۰

پاورقی:

- ۱ - نهج البلاغه خطبه ۴۰
- ۲ - غرر ج ۲ ص ۷۸۴
- ۳ - نهج البلاغه نامه ۶۲
- ۴ - نهج البلاغه نامه ۶۲
- ۵ - نهج الفصاحه ص ۴۷۸
- ۶ - نهج البلاغه خطبه ۳
- ۷ - نهج البلاغه خطبه ۱۶۹
- ۸ - نهج البلاغه خطبه ۱۷۳